

گل‌های زعفران

مادر دوباره از باغ
گل‌های زعفران چید
یک بوی خوب فوری
توی اتاق پیچید

گلبرگ‌های گل را
از پرچمش جدا کرد
آن رشته‌های باریک
هم سرخ بود و هم زرد

گفت این طلای سرخ است
با ذوق و شادمانی
ما با نبات خوردیم
یک چای زعفرانی

مریم زرنشان

هما بهبودی

